

# حادثه





 Espen Stranger-Johannessen

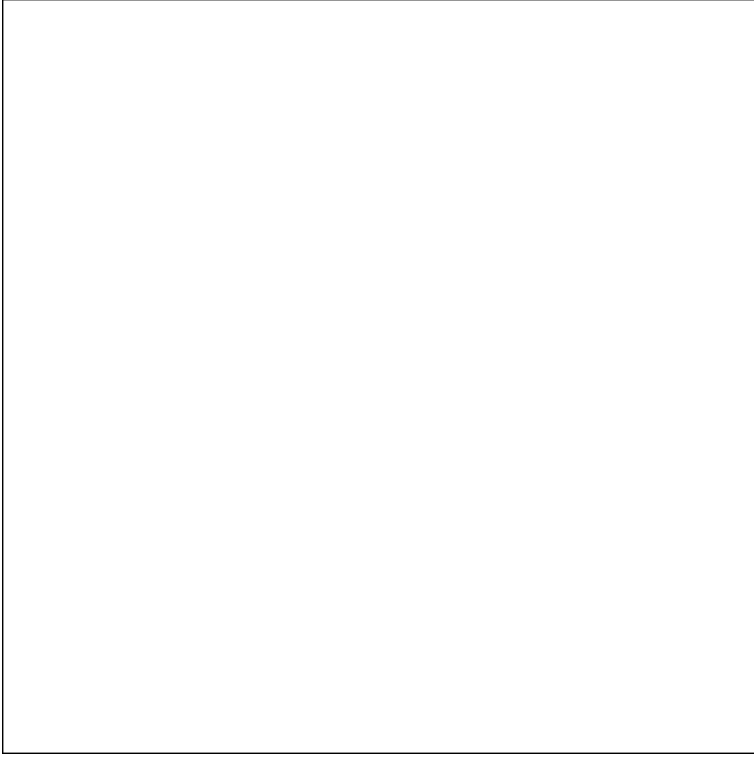
 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

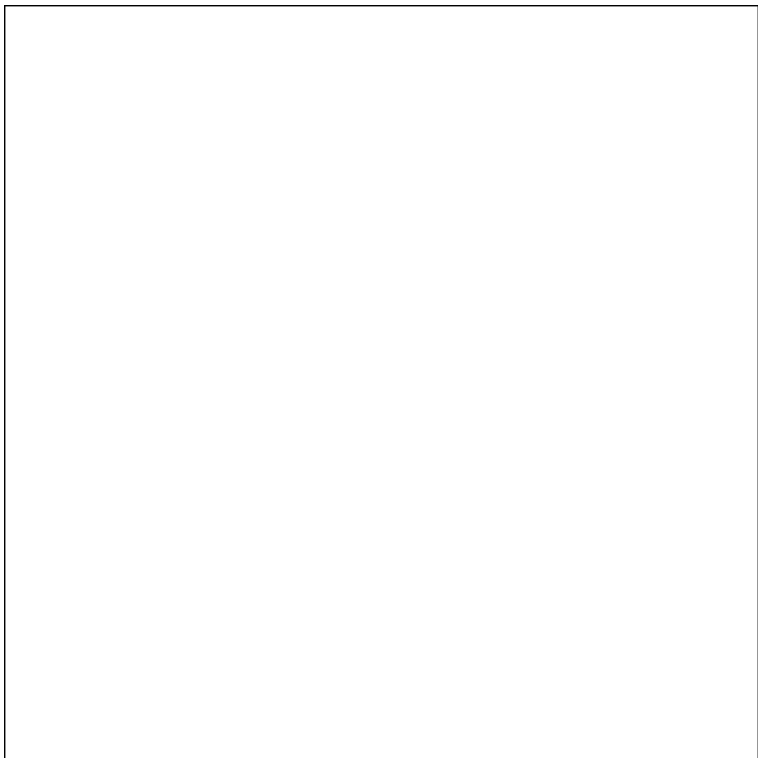
 3

 درى 

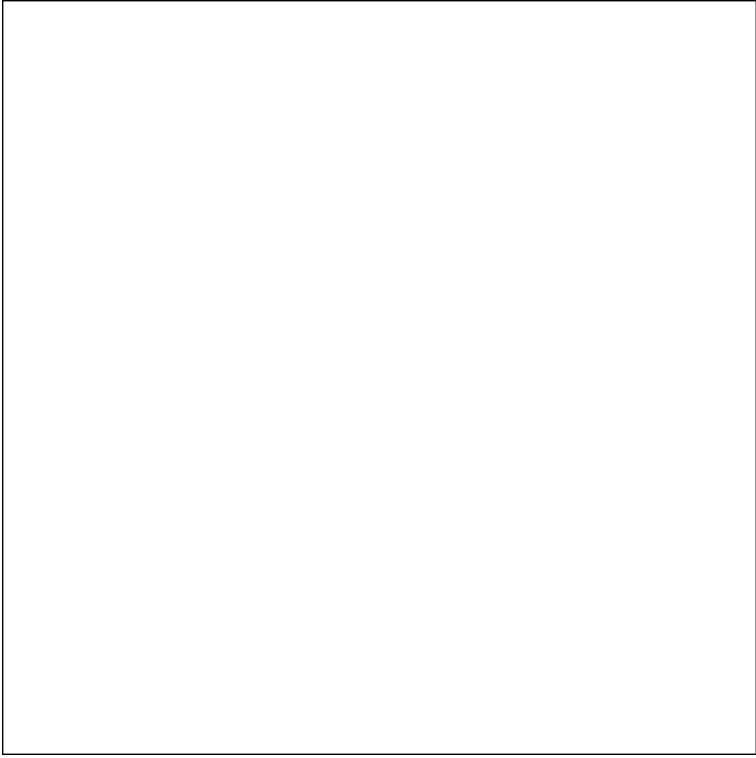
گرلوس یک موتر سیکل را می چاند. او بسیر تیز می چاند.



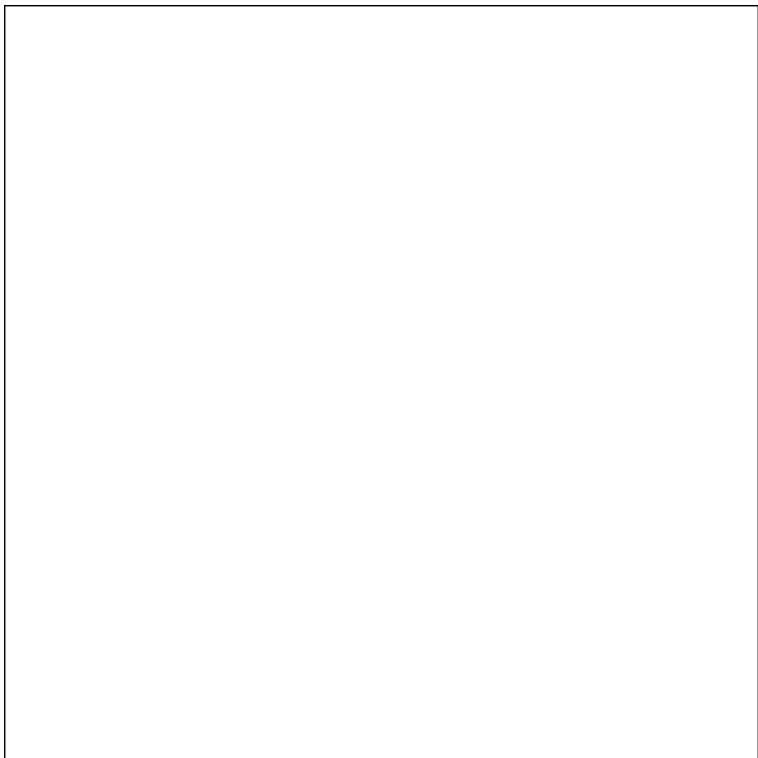
در سرک آب موجود است. سرک لغزنده است.



او کنترل موترسدیکل را از دست می دهد و به زمین می افتد.

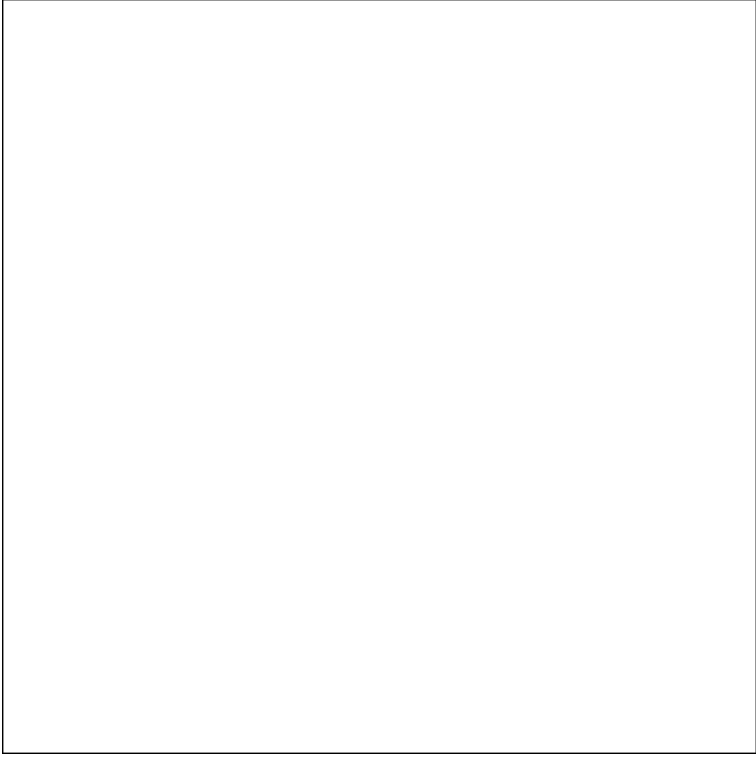


گرلوس به شدت زخمي است.

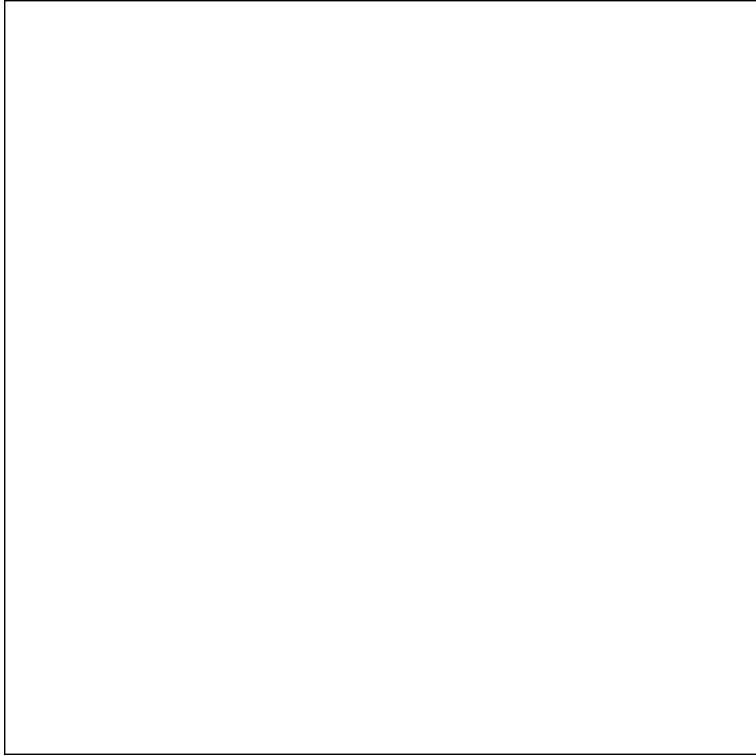


یک زن به آمبولانس تھس می گیرد. “اینجیک حدثه رخ داده ، زود  
بیدید!”

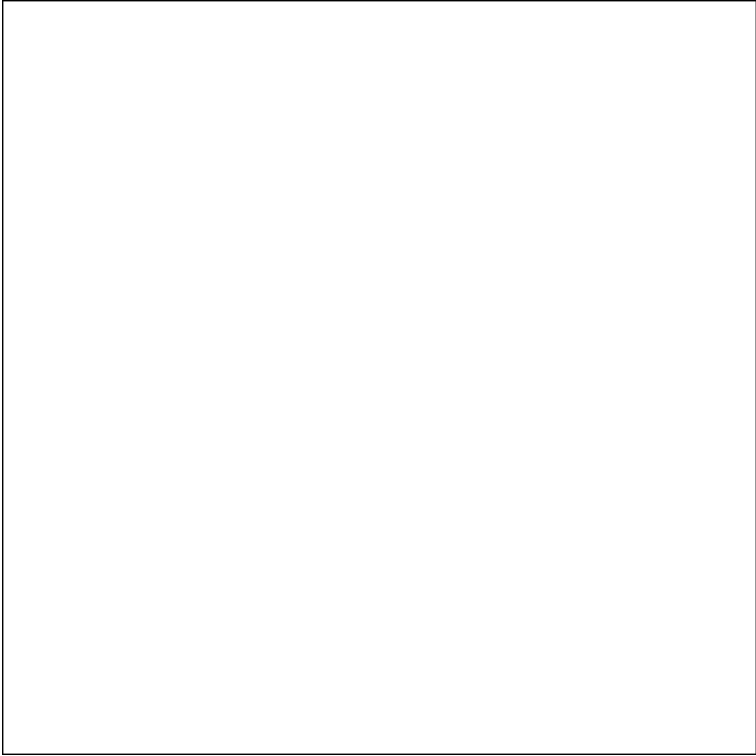
آمبولانس بسڃر تيز مي ايد.



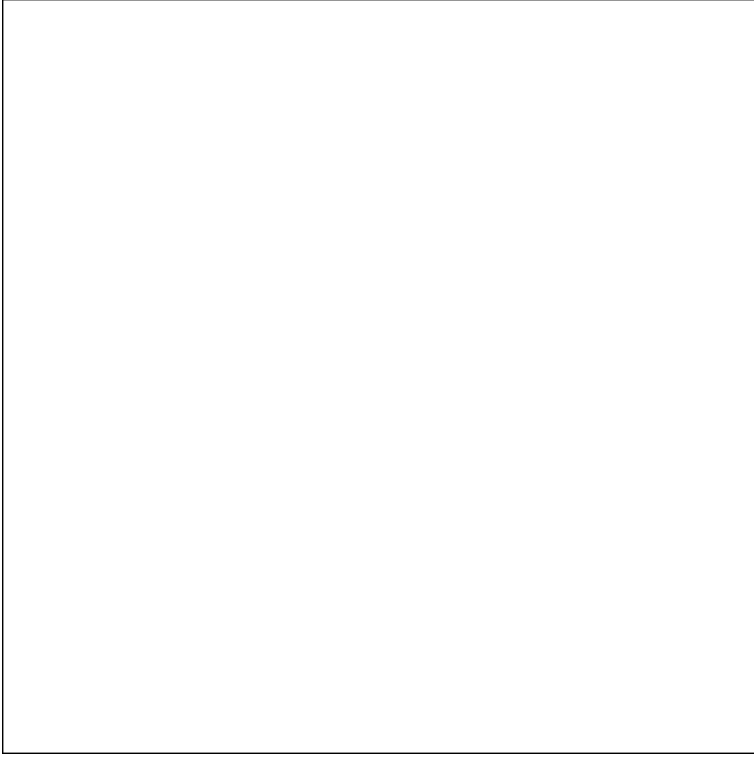
دو مردم گرلوس را در بستریبلا کرد.



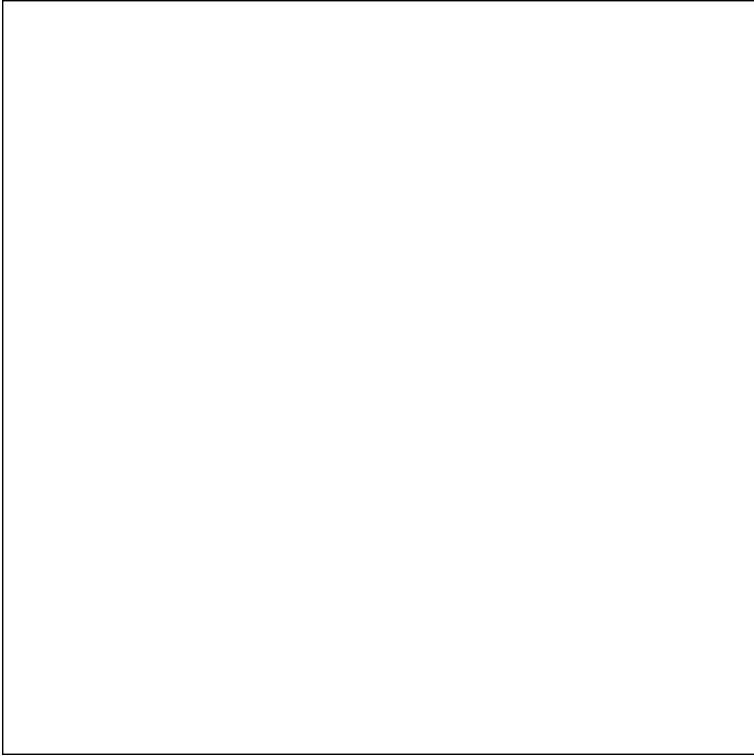
آنچه کارلوس را به داخل آمبولانس بردند.



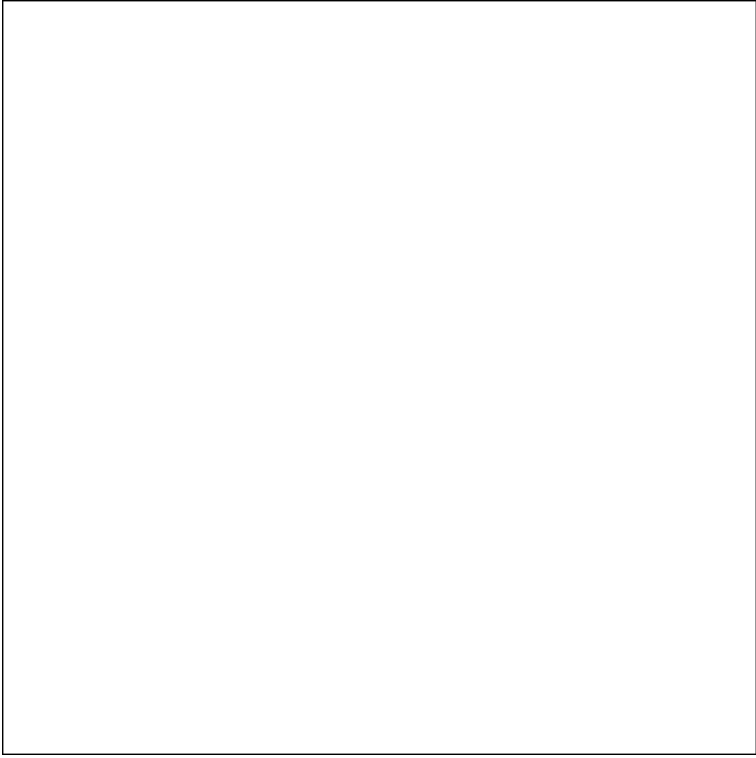
آمبولانس به طرف شهخونه حرکت می کند.



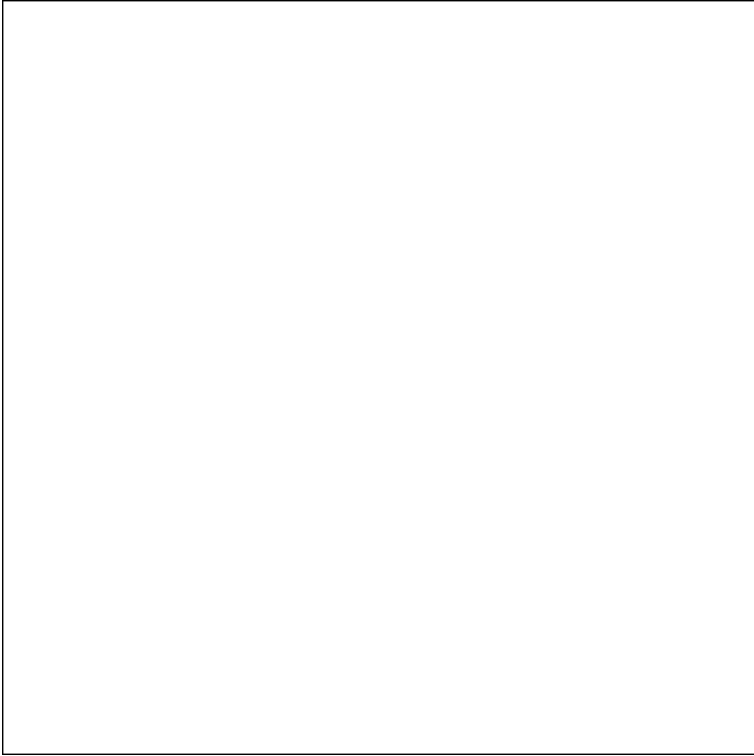
یک نرس گرلوس را به داخل ششخانه می برد.



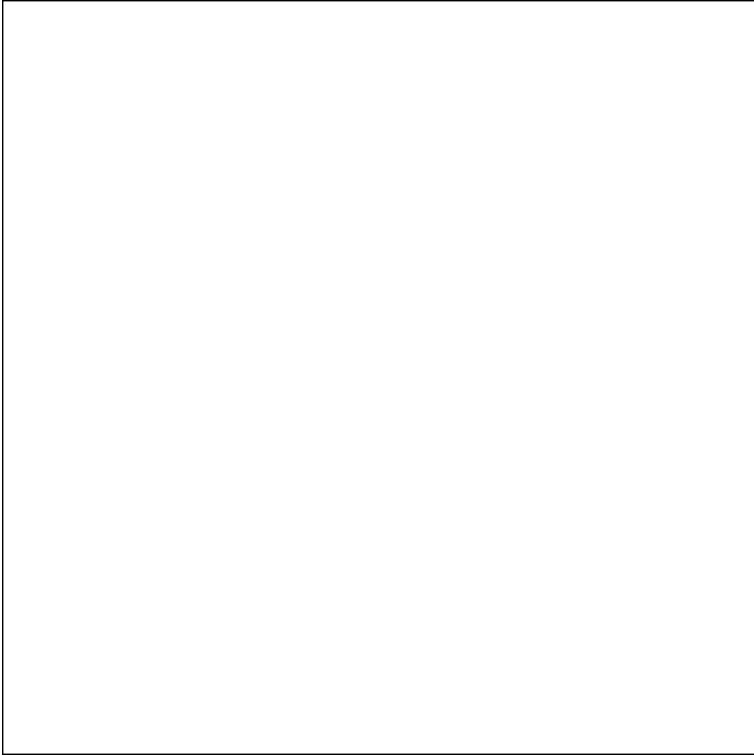
او تداوی گزلوس را می کند.



چی گرلوس بسیر درد می کند و او بسیر وارخط است.

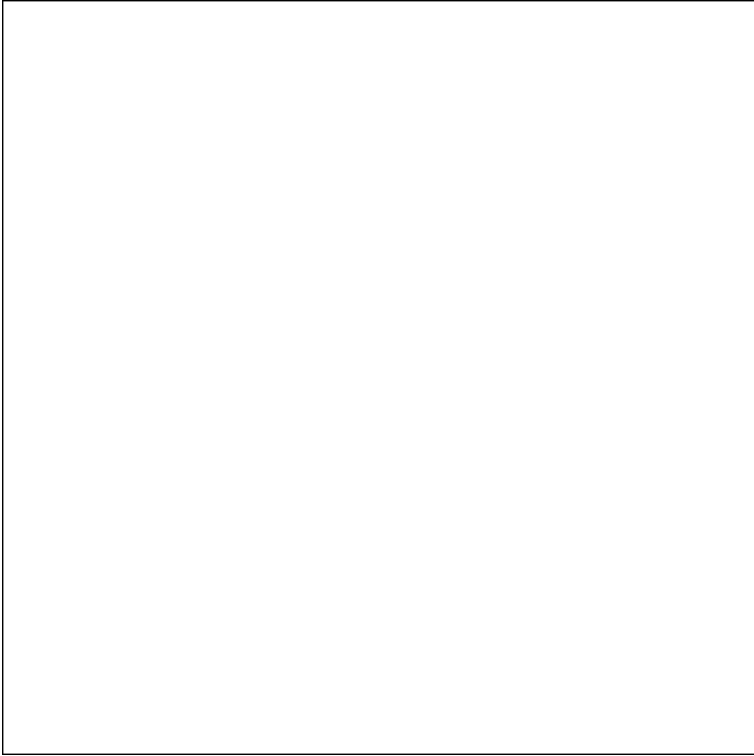


دو داکتران ډی ګرلوس را عملیت می کنند.



والدين اشيڭ او ملقات مي كند. آڻه از او سوال مي كند كه اين حذته  
چطور رخ داد.

آنها او را به خانه می برند. گرلوس از عصبی صحت استفاده می کند.






# LIDA Stories

[lidastories.net](http://lidastories.net)

حادثة

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

